

اندیشه‌های نوین تربیتی

دوره ۱۱، شماره ۳

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء س

پاییز ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۸

روابط مطلوب آدمی در آموزه‌های تربیتی معصومان (علیهم السلام)

علی نقی قصبی^۱

چکیده

نقش مناسبات انسانی در نظام تربیتی اسلام بسیار برجسته است. هدف این پژوهش بررسی آموزه‌های تربیتی معصومان(ع) در زمینه روابط مطلوب و سعادت‌مندانه آدمی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌های پژوهش، متون حدیثی مرتبط با موضوع پژوهش، با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع گردآوری و با شیوه کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که دامنه روابط مطلوب آدمی در آموزه‌های معصومان(ع) شامل ارتباط انسان با خدا، خویشتن، انسان‌های دیگر، و جهان هستی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

مناسبات مطلوب آدمی، روابط چهارگانه، آموزه‌های تربیتی معصومان(ع).

مقدمه

منظور از رابطه، پیوند و همبستگی و تعامل است. انسان به اقتضای نحوه وجودش با مجموعه‌ای از عوامل، پیوند و همبستگی شناختی و عاطفی دارد و عملکردهایش در تعامل و ارتباط با آنهاست؛ عواملی چون خدا، خود، دیگران، و طبیعت که می‌توانند در وجود انسان تأثیر بگذارند و آدمی ملزم به ساماندهی عملکردهای خویش در این حوزه‌هاست (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۰ و ۴۳).

در روابط مطلوب، کوشش‌ها و تعاملاتی مورد قبول است که هماهنگ با خواسته‌ها و اهداف عالی باشد و زمینه نیل به آن را فراهم سازد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۱۵). در آموزه‌های دینی از آنچه باید مطلوب و هدف عالی آدمی باشد به سعادت تعبیر می‌شود. اثر سعادت‌مندی آدمی، زندگی جاوید بهشتی^۱ در مراتب مختلف است (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۶۷). منظور از روابط مطلوب در فرهنگ دینی انجام کارهای شایسته است که انسان را در رسیدن به خیر و سعادت نهایی یاری کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۳۸) و زندگی آدمی را سعادت‌مندانه نماید. مطلوبیت این نوع زندگی نزد اولیای دین از اهمیت بالایی برخوردار است، همان‌طور که امام علی (ع) در دعایش از خداوند متعال «درخواست زندگی سعادت‌مندانه»^۲ دارد (نهج البلاغه، خطبه ۲۳).

معصومان (ع) با احساس وظیفه الهی و درک مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، همواره درصدد ترسیم یک نظام ارتباطی هماهنگ جهت فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی انسان و رهانیدن او از گمراهی‌ها و هدایت به سوی سرچشمه کمال بوده‌اند (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۲-۵). منظور از نظام ارتباطی (چارچوب روابط آدمی)، مناسباتی است که انسان از آن جهت که از فطرت خاص انسانی برخوردار است، آنها را داراست. به عبارت دیگر، اقتضای انسان بودن و امیال و نیازهای فطریش، روابط ویژه‌ای است که می‌خواهد آنها را به صورت مطلوب عملی سازد (نجفی، ۱۳۹۳: ۷۵). این مناسبات، شامل رابطه با خدا، رابطه با خویشتن، رابطه با انسان‌ها، و رابطه با جهان هستی است که در صورت توجه و شکوفاسازی همه‌جانبه آنها، تربیت آدمی،

۱. «أَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا» (هود، ۱۰۸).

۲. «نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَمَعَايِشَهُ السَّعْدَاءِ...»

نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود می‌رسد. در این صورت است که انسان‌ها می‌توانند پیوند خود را با خدای خویش استوار سازند و خود را پرورش داده تا به جلب رضای پروردگار همت گمارند و همواره با هم‌نوعان خود، سبک زندگی مطلوبی داشته و رابطه خود را با هستی واقع‌بینانه کنند و در راستای قرب الهی و کمال مطلوب، از مواهب خداوندی بهره‌مند گردند (سجادی، ۱۳۸۸: ۹۱).

این مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش است که براساس آموزه‌های تربیتی معصومان (ع)، چه نوع نظام مناسبی می‌تواند زمینه‌ساز نیل به اهداف عالی تربیتی و سعادت انسانی باشد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس، متون حدیثی مرتبط با روابط مطلوب آدمی، با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع، گردآوری و مورد بررسی، توصیف و تحلیل کیفی واقع شده است.

آموزه‌های تربیتی معصومان (ع) و روابط آدمی

در اسلام، پرورش مناسبات فرد با خدا، خویش، انسان‌ها، و دیگر موجودات جهان هستی، پایه‌ی اساسی و چارچوب تعلیم و تربیت است. اقتضای فطرت آدمی هم از مجموعه‌ی گرایش‌ها، امیال، ادراکات و توانمندی‌ها، تعاملات، و مناسبات چهارگانه است و از آنجا که خدای حکیم این اقتضانات را در راستای اهداف تکاملی در انسان سرشته است، برقراری بهینه‌ی این مناسبات می‌تواند او را به اهداف والای تربیتی هدایت نماید. به عبارت دیگر، تربیت صحیح بدون شکوفایی این مناسبات در انسان امکان‌پذیر نیست. از این رو، مطابق آموزه‌های معصومان (ع)، همین مناسبات چهارگانه و کشف روابط آنها با یکدیگر است که اساس نظام تربیتی را تشکیل می‌دهد^۱ (گیلانی، ۱۳۸۷: ۵). هیچ‌یک از تغییرات و تحولات رشدی، که به تدریج در راستای اهداف عالی تعلیم و تربیت و هماهنگی با اهداف آفرینش در آدمی پدید می‌آید، از چهار جنبه‌ی مذکور بیرون نیست. در حقیقت، پرورش این روابط چهارگانه به صورت مطلوب است که

۱. امام صادق (ع): «اصول المعاملات تقع علی اربعه اوجه: معامله الله، و معامله النفس، و معامله الخلق، و معامله الدنیا».

آدمی را به سبک زندگی انسانی هدایت می‌کند و رشد و بالندگی سعادت‌مندان را در زندگی فردی، اجتماعی، و زیست محیطی موجب می‌گردد و باعث می‌شود انسان زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای زندگی اخروی و حیات جاوید و حسن مآب قرار دهد و هدف قرب و کمال مطلوب را برای خود انتخاب کند. این مناسبات چهارگانه با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و باید به صورت همه‌جانبه در مرتب‌ی رشد یابند و شاید بتوان گفت که روابط صحیح در یک بعد بدون دیگری، آن رابطه‌ای نیست که رغبت فطری به آن است. به عبارت دیگر، پیوندی میان این مناسبات وجود دارد که تحقق برخی از این روابط، به تحقق روابط دیگر می‌انجامد و بدون آنها این رابطه عملی نمی‌شود. برای مثال، رابطه تقوایی انسان با خدا، که در آموزه‌های دینی بسیار بر آن تأکید شده است، در بسیاری از روابط فرد با انسان‌های دیگر نیز تبلور پیدا می‌کند. همان‌طور که در روایات متعددی از نشانگان تقوای الهی «راستگویی با مردم، ادای امانت، وفای به عهد، صلۀ رحم، دستگیری از نیازمندان و ضعیفان، حسن خلق»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰: ۲۸۲)، و مانند آن ذکر شده است. این نوع آموزه‌ها، حاکی از آن است که این مناسبات در نظام ارتباطی انسان، به هم تنیده در نظر گرفته شده‌اند و بدین معنی است که جهت محقق ساختن هر دسته از این مناسبات چهارگانه باید از دسته‌های دیگر نیز کمک گرفت و آنها را نیز شکوفا ساخت و به رشد رساند. در ادامه به تشریح روابط چهارگانه مذکور پرداخته می‌شود.

۱- روابط آدمی با خدا

از میان مناسبات انسانی که مقتضای فطرت آدمی است، مناسبات او با پروردگار نسبت به مناسبات دیگر نقش محوری و مرکزی دارد. اساس این نوع روابط «شناخت خدا به‌عنوان رب یگانه انسان و پذیرش او به‌عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر است» (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۱). بدین معنا که معرفت و ایمان به خدا و صفات او و پذیرش نقش او در خلق و امر و اداره نظام هستی آدمی را به‌سوی کمالش هدایت می‌کند.

۱. امام محمد باقر (ع): «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ إِدَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ قِلَّةُ الْفَخْرِ وَ الْبُخْلِ وَ صَلَوةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الضَّعْفَاءِ وَ قِلَّةُ الْمَوَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَدَلُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ سَمْعَةُ الْحَلِمِ وَ اتِّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَأَبٍ».

فلسفه نظام هستی مبتنی بر این است که همه جهان و آنچه از مواهب و نعمت‌های الهی در آن است برای انسان و کمال او، لباس هستی پوشیده‌اند و همچنین انسان از آن جهت که هدف آفرینش است و دارای عزت و ارزش والایی است که ملائکه به حال او غبطه می‌خورند، از حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی خاصی برخوردار است که نوع روابط با یکدیگر را تنظیم و سبک زندگی آدمیان را ترسیم می‌نمایند. بنابراین، آدمی در تنظیم روابط خود با خویش، انسان-ها، و جهان براساس روابط شناختی، عاطفی، ایمانی، عبادی، و پذیرش احکام الهی، به اهداف عالی غایی و واسطه‌ای پروردگار تعالی می‌یابد. در ادامه، به تشریح انواع روابط آدمی با خدا پرداخته می‌شود.

۱-۱. رابطه معرفتی

ساختار وجودی آدمی به گونه‌ای است که به سوی خدا گرایش و تمایل نشان می‌دهد، و احساس نیاز و فقر وجودی به او دارد و این حاکی از آن است که شناختی اجمالی از خداوند داشته و توانمندی شناخت تفصیلی را دارد. امام رضا(ع) لازم می‌داند فرد این توانمندی ادراکی را افزایش دهد و شناخت خود را نسبت به خدا و صفات او از قبیل بی‌نیازی خداوند، شنوایی، دانایی، توانایی، عدالت، خالقیت و اینکه هیچ‌کسی و هیچ چیزی مانند او نیست و وجودی منحصر به فرد دارد و شریک و ضدی هم ندارد، ارتقا دهد(حرانی، ۱۴۰۴: ۴۲۷-۴۲۸). آدمی باید معرفت حضوری و فطری خود را نسبت به خدا بپروراند و در معرفت حصولی به خدا و صفات حسنای الهی بکوشد تا معرفت یقینی پیدا کند و بداند که همه امور به قدرت اوست، و همه خلق و امرش حکیمانه است و ربوبیت و تدبیر نظام عالم و امور بشر همه، به دست اوست. اوست که همه هستی را برای آدمی و کمال شایسته‌اش آفریده است و هدایت‌های او نسبت به بشر از علم نامتناهی او سرچشمه می‌گیرد و همه در راستای سعادت اوست. خداست که بشر را به‌خاطر خود او دوست دارد و وی را از رحمت‌ها و الطاف نامحدود خود بهره‌مند می‌سازد. کوشش برای شناخت هرچه بیشتر خدا، همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند از بهترین اعمال تربیتی بوده (محمدی ری‌شهری، ترجمه شیخی، ۱۳۸۱: حکمت ۲۲۸) و نقش مهمی در قرب به او دارد و بدون شناخت خداوند

پرورش و تحول رشدی به سوی کمال و تقرب به خداوند امکان‌پذیر نیست. تحول تربیتی و تخلیق به اخلاق الهی، کسب ایمان و تقوی، و توکل به او در گرو شناخت هرچه کامل‌تر اوست. هرچه شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر شود، زمینه شکوفایی و تحول بیشتر فراهم می‌شود و از این روست که معرفت آغاز دین که سبک تربیتی در زندگی است؛ در کلام امام علی(ع) مطرح شده است: «معرفت خدا سر آغاز تدین است»^۱ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۴۰). این جمله بیانگر آن است که معرفت خداوند محوریت داشته و بدون آن امکان تدین و تربیت مطلوب وجود ندارد.

۱-۲. رابطه ایمانی و پذیرش

آدمی، با شناخت خداوند و مجموعه صفات ذاتی و فعلی او، گرایش و علاقه‌اش به خدا پرورش می‌یابد و او را به عنوان پروردگار، هستی‌بخش، مدبّر، حکیم، رحیم، و دیگر صفات منحصر به فرد می‌پذیرد. ایمان، مفهومی است که حکایت از اعتقاد و باوری درونی دارد. ایمان، در لغت به معنای تصدیق بوده و در متون اسلامی علاوه بر معنای لغوی، به معنای باور قلبی و التزام است (میناگر، ۱۳۹۰: ۶۸). از مظاهر این باور و التزام، که همان تصدیق و پذیرش قلبی پروردگار با صفات حسناى اوست، این است که این پذیرش را به زبان آورد و التزام بر عمل به هدایت‌های خدا داشته باشد؛ زیرا لازمه پذیرش خدا به عنوان عالم، حکیم و رحیم این است که درست در راستای کمال مطلوب آدمی راهنمایی می‌کند و قانون وضع می‌نماید؛ در این صورت فرد تصدیق دارد که قوانین الهی و امر و نهی خداوند همه برای تحول آدمی است و باید برای عمل به آنها کوشش نماید. از این روست که ایمان در تعبیر امیرالمؤمنین(ع) و ایشان از رسول خدا(ص): «معرفت و باور قلبی و اقرار به زبان و عمل به اعضا و جوارح»^۲ (نهج البلاغه: حکمت ۲۲۷) است.

۱-۳. رابطه تقوایی

اگر آدمی در رابطه ایمانی ارتقا یابد، خدامحور می‌شود و هدایت‌ها و اوامر و نواهی الهی

۱. امام علی(ع): «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ».
 ۲. امام علی(ع): «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»

را در زندگی اصل قرار داده و منطبق با آنها عمل می‌کند و کوشش می‌نماید خود و عملکرد خویش را در حفاظت و صیانت از تخطی از دستورات پروردگار قرار دهد و به هیچ وجه عصیان نکند. تقوا و خدامحور بودن در رفتار، التزام و پایبندی آدمی به شایسته‌ترین الگوهای رفتاری است که زمینه سعادت را در زندگی وی فراهم می‌سازد و نه تنها برای زندگی در این جهان بهترین پیامدهای روان‌شناختی و تربیتی را دارد، بلکه حیات طیبه جاوید را تضمین می‌نماید. امام علی(ع)، نهایت خشنودی خداوند از بنده را تقوا (متقی هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۰: ۱۴۳) دانسته است و این بدین مفهوم است که آدمی در مسیر ارتقای ایمانی باید به جایی برسد که جز بر محور هدایت‌های الهی نچرخد تا زندگی سعادت‌مندانه‌ای در دنیا و آخرت برای خویش پدید آورد. به عبارت دیگر، این بزرگ‌ترین امتیاز مردان الهی است که محور اصلی زندگی آنها، خدای تعالی و عشق به شعائر الهی است که از اصول اعتقادی، اجتماعی، و عبادی اسلام نشأت گرفته‌اند (مشکینی، ۱۳۷۶: ۲۰۵) و از نشانه‌های تقوا^۲ (حج/۳۲) محسوب می‌شوند.

از اسرار بقای کرامت و عظمت امامان(ع) در طول تاریخ، با همه تحولات و دگرگونی‌ها، همین است که آنها رنگ خدایی به خود گرفته «وجه‌الله» و «وجیهاً عندالله» شده بودند و فنا و نابودی ندارد.^۳ این محور در زندگی حضرت رضا(ع) چنان هویدا بود که رجاء بن ابی‌ضحاک، که به دستور مأمون به مدینه رفت و امام را به مرو آورد، می‌گوید: «به خدا سوگند! ندیدم مردی را که نسبت به خدای تعالی از وی بیشتر پرهیز و خوف داشته و بیشتر از او به یاد خدا در همه اوقات زندگی باشد» (بابویه قمی، ترجمه مستفید و غفاری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۲۳). همین تقوای شدید از خدا و توجه عمیق آن حضرت به خدا بود که در همه حال و همه جا آن بزرگوار را مستقیم و استوار نگاه می‌دارد و تعریف، تنفیذ کاخ و کوخ‌ها، و مدح‌ها و ذم‌ها در روح استوار و خدایی او تأثیری نمی‌گذارد (بابویه قمی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۰۱).

۱. امام علی(ع): «أَنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ».

۲. «وَمَنْ يُعْظَمَ شِعَارُ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ».

۳. «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص، ۸۸)؛ «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن، ۲۷). (۲۶)

۱-۴. رابطه توکلی

توکل به خدا، به معنای اعتماد کردن به خدا در کارهاست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۵۶۷) در شرع، تأکید بر این است که: «اعتماد بر خداوند متعال در جمیع امور باشد» (مشکینی، ۱۳۷۶: ۱۱۵). یعنی آدمی که خدا را قادر مطلق می‌خواند به قدرت نامتناهی او تکیه کند و برای انجام کارها این پشتوانه همیشگی را احساس نماید و با احساس قدرت در انجام کارها و حل مشکلات به پیش رود و هیچ احساس ناتوانی و ترسی در مسیر اقدامات مدبرانه به خویش راه ندهد. در آموزه‌های تربیتی اسلام، توکل مفهومی زندگی‌بخش، محرک، و حماسی دارد. قرآن، به‌عنوان اساسنامه تربیت دینی، هر جا که بخواهد بشر را وادار به عمل کند و ترس را از انسان بگیرد، می‌فرماید: «و چون بر (کاری) دل بنهادی بر خدای توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد» (آل عمران، ۱۵۹). امام علی (ع) در مورد جایگاه اهمیت توکل به خداوند می‌فرماید: «هرکس به خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان می‌شود و اسباب برایش فراهم می‌گردد» (تمیمی آمدی، شرح خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۵: ۵۲۴).

۱-۵. رابطه رضایت و تسلیم

خشنودی بنده از خدا و قضا و حکم الهی (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۰۲) و رسیدن به مقام رضا از ثمرات برقراری روابط معرفتی، ایمانی، تقوایی، و توکل است. آدمی، با ارتقا در این روابط آنچنان به پروردگار خویش نزدیک می‌شود که از همه آنچه خدا به وی داده است احساس رضایت دارد، و حوادثی را که به حکم و اقتضای تقدیر الهی اتفاق می‌افتد، می‌پذیرد و سر تسلیم فرود می‌آورد. این مقام حاصل نمی‌شود مگر برای کسی که به مرتبه اعلای یقین رسیده باشد و درجات کمال را در روابط با خدا پیموده باشد (سجادی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۹). به عبارت دیگر، وقتی آدمی، خود را در قلمرو «ربوبیت خدا» می‌بیند و همه تقدیرات و تدبیرات خداوند را هم بر مبنای حکمت و مصلحت می‌شناسد، نتیجه آن می‌شود که بر آنچه خدا درباره او خواسته و مقدر کرده است، صبور و راضی و تسلیم شود و هیچ اعتراضی نکند، و بلکه استقبال هم بنماید. رسیدن به این کمال نفسانی، به آدمی آرامش روانی می‌بخشد و او را از

۱. «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ».

۲. امام علی (ع): «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصُّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ».

تلاطم روحی و تشویش و نگرانی می‌رهاند، همچون کشتی‌ای که در ساحل امنی لنگر می‌اندازد و آرام می‌گیرد. این حالت روحی که بسی ارجمند و عزیز و آرامش‌بخش است، حتی در تکالیف دینی و الهی هم اثر می‌بخشد و اگر تکالیفی از سوی خداوند برای او مقرر شده است، از نماز و روزه و حج و زکات تسلیم است و همه آنها را مایه خیر و سعادت می‌داند و از روح آرام و نفس مطمئنه برخوردار است. در حدیث قدسی آمده است: «هرکس به قضای من راضی نیست و به تقدیر من ایمان ندارد، پس در پی خدایی دیگر غیر از من باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۱۳۸). آنچه انسان را به این مرحله از «رضا» می‌رساند، معرفت به خداست. هرکه خداشناس‌تر باشد، نسبت به خواست او تسلیم‌تر است. امام باقر(ع) در حدیثی به این نکته اشاره می‌فرماید: «شایسته‌ترین مردم برای تسلیم به قضای الهی و آنچه خداوند مقدر کرده است، آن کس است که خدا را خوب بشناسد» (همان: ۱۵۳). بنابراین، انسان موحد و خداشناس و خدا باور، چون به حکمت الهی معتقد است و از پشت پرده هم خبر ندارد، تسلیم قضا و تقدیر و مشیت پروردگار می‌شود و به این وسیله، مراتب معرفت و عبودیت و محبت خود را به مولایش ابراز و اثبات می‌کند و در مسائل مربوط به رزق و تندرستی و فقر و غنا، وی را از دغدغه‌های بیجا و فشارهای روحی می‌رهاند. از امام علی(ع) روایت است که: «هرکس به آنچه خدا برای او تقسیم کرده راضی باشد، بدنش استراحت و آسایش می‌یابد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۱۳۹).

۱-۶. رابطه عبادی

«عبادت» به معنای غایت تذل و نهایت فروتنی و طاعت بنده است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۳۰). ظاهر عبادت، عبارت است از انجام پاره‌ای از اعمال توسط اندام بدن مانند رکوع و سجده و طواف؛ اما حقیقت عبادت، عبودیت است که انسان خود را در برابر رب خویش، در مقام مملوکیت و مربوطیت قرار دهد» (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۱). هدف نهایی از خلقت انسان رساندن آدمی به مرحله عبودیت است. امام رضا(ع) برقراری رابطه عبودیت با خداوند را تجسم

۱. «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِقَدْرِي، فَلْيَلْتَمِسِ الْهَأْ غَيْرِي».
 ۲. امام محمد باقر (ع): «أَحَقُّ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ بِالتَّسْلِيمِ لِمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ عَرَفَ اللَّهَ».
 ۳. امام علی (ع): «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِمَا قَسَمَ لَهُ، اسْتَرَاحَ بَدَنُهُ».

عملی و عینی خداشناسی و خداجویی و رابطه بنده با خدا می‌دانست و خود آن را در همه لحظات زندگی محقق می‌ساخت، به‌ویژه شب‌ها به عبادت می‌پرداخت. رجاء بن ابی‌ضحاک، درباره نماز شب آن حضرت می‌گوید: «چون ثلث آخر شب می‌شد، برمی‌خاست و تسبیح، تحمید، تهلیل، و استغفار می‌کرد، مسواک می‌زد و سپس به نماز شب می‌ایستاد». او مقام عبودیت را و امدار خویشاوندیش با رسول‌الله نمی‌دانست، بلکه نتیجه تقوا و اطاعت از خدا می‌دانست. ایشان این حقیقت را به برادرش زید نیز گوشزد فرمود: «ای زید! از خدا بترس که آنچه ما بدان رسیده‌ایم به وسیله همین تقوا بوده و هر که تقوا نداشته باشد و خدا را مراقب خود نداند از ما نیست و ما از او نیستیم (بابویه قمی، ترجمه مستفید و غفاری، ۱۳۸۰، ج ۲، س: ۵۳۷). بدین ترتیب، آب پاکی را روی دست او و دیگران می‌ریزد و وسیله ارتباط دیگران را نیز با خود آن حضرت آشکارا بیان می‌دارد.

۲- روابط آدمی با خویشتن

یک دسته دیگر از مناسبات آدمی که در تربیت مطلوب انسان مؤثر است، مناسبات با خویشتن است. برخی از این مناسبات عبارت‌اند از:

۲-۱. خودشناسی

خودشناسی به مفهوم درک درست انسان از ویژگی‌ها، نیازها، و توانمندی‌های خویش است. به عبارت دیگر، شناخت فطرت و درک ظرفیت‌ها و آنچه باید بشود و اینکه چه توانمندی‌هایی دارد که می‌تواند از آنها در تحول به سوی آنچه باید بشود، استفاده کند. همچنین، قدر خود و کرامت و عزت خود را بشناسد تا در تحولات دچار افراط و تفریط نگردد (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۵۵). از سوی دیگر، با پی بردن به اعماق نفس، آن را به عنوان آیتی از آیات الهی و مظهر بسیاری از صفات الهی بشناسد؛ یعنی از طریق شناخت حصولی، به نوع دیگری از خداشناسی دست پیدا کند. آیات «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ * وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات، ۲۰-۲۱) ناظر به همین معرفت خویش است. امام باقر(ع) در سفارش خود به جابر جعفی می‌فرماید: «خودشناسی برای تو برترین شناخت‌هاست»^۱ (حرانی، ۱۴۱۴ق،

۱. امام باقر(ع): «لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ».

۲۸۶). آدمی، با خودشناسی، هم به خداشناسی می‌رسد و هم قدر خود را می‌داند و می‌فهمد که چگونه باید زندگی کند. در مورد اینکه خودشناسی لازمه خداشناسی است، امیرمؤمنان علی(ع) فرموده‌اند: «هرکس خود را بشناسد به حقیقت، خدا را شناخته است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۵: ۴۵۲). در مورد قدرشناسی باید توجه داشت که انسان، باید حدّ و حدود خود و احتیاجات و مضارّ و منافع خود را بشناسد تا در نتیجه، از حدّ خود تجاوز نکند و از افراط و تفریط نسبت به خود پرهیز نماید و به‌طور کلی، خود را گم نکند یا به تعبیر امام علی(ع)، «از حد خود تجاوز و تعدی ننماید»^۲ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳).

۲-۲. علم‌جویی

از جمله اموری که در حیطة مناسبات آدمی با خویش باید مورد توجه قرار گیرد، فراگیری علوم است. «برای درک و فهم عمیق از جهان هستی، دانش، چراغ راه و نشانه است»^۳ (نوری طبرسی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۱۶). «علم گنجینه‌های کمال است که با جست‌وجوگری و پرسش می‌توان به آنها دست یافت»^۴ (محمّدی ری‌شهری، ترجمه شیخی، ۱۳۸۱، حکمت ۲۶۸). اصولاً علم-جویی و فراگیری دانش از امور موظف انسانی است که ریشه در فطرت آدمی به‌عنوان حقیقت‌جویی و علم‌خواهی دارد و اسلام هم ضمن اینکه آن را برای مؤمن واجب دانسته، تأکید کرده که «مؤمنی که به این فریضه می‌پردازد پیش خدا محبوب‌تر است»^۵ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۰). امام سجّاد(ع) می‌فرماید: «از پاداش‌هایی که خداوند متعال برای دانشجوی علم قرار داده است این می‌باشد که به تعداد گام‌های وی، زمین برای او تسبیح می‌کند»^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۶۸). امام رضا(ع) یکی از ویژگی‌های دهگانه عاقل را عبارت می‌داند از اینکه «در طول عمرش، هیچ‌گاه از فراگیری علم خسته نمی‌شود»^۷ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۴۳). زیرا علوم

۱. امام علی(ع): «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

۲. امام علی(ع): «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ لَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ».

۳. امام رضا(ع): «إِنَّ مِنْ غَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْعِلْمُ».

۴. پیامبر اکرم(ص): «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمِفَاتِيحُ السُّؤَالِ».

۵. پیامبر اکرم(ص): «طَلِبِ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَغَاةَ الْعِلْمِ».

۶. امام سجّاد(ع): «إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَأْسِ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ».

۷. امام رضا(ع): «وَلَا يَمَلُّ مِنْ طَلِبِ الْعِلْمِ طَوْلَ دَهْرِهِ».

و معارف مختلف نسبت به یکدیگر، جنبه زاینده‌گی دارند. به این معنی که هر کشف و اطلاع جدیدی موج و تلاطمی در دریای معارف انسانی ایجاد می‌کند و سبب بالندگی معارف دیگر می‌شود. البته، شایان ذکر است که علوم امامان معصوم(ع) نیز که در طول علم نامحدود خداوند متعال است خود از مهم‌ترین عوامل کشف مجهولات انسان و جهان هستی است، امام صادق(ع) درباره اهمیت کسب دانش می‌فرماید: «دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آنکه صبح کند و رفت و آمدش در یکی از این دو حالت باشد: یا معلم یا محصل. کسی که چنین نباشد در انجام وظیفه کوتاهی کرده و خودداری از ادای وظیفه، تزییع حق انسانیت است و چنین تزییعی گناه است و جایگاه گناهکار در آتش خواهد بود»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۷۰).

۲-۳. شکوفاسازی عقل

انسان به‌طور فطری موجودی توانمند برای «تعقل و خردورزی»^۲ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۵) خلق شده است و همین توانمندی او را از سایر مخلوقات متمایز ساخته و در صورت پرورش از طریق تفکر^۳ (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵: ۲۰۷)، تعلم^۴، (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۹) تذکر و عبرت‌آموزی^۵ (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۳) و مانند آن، تکامل و اعانت از وحی در مسیر سعادت جاوید هدایت می‌کند. عقل بشری در آموزه‌های تربیتی معصومان(ع) به‌عنوان «محبوب‌ترین مخلوق»^۶ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۹۲)، «افضل نعمات خداوند»^۷ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۴)، و اینکه «ارزش انسانی او به عقل او است»^۸ (تمیمی آمدی، شرح خوانساری، ۱۳۷۳، ۵۰۰)، شمرده می‌شود. همچنین، «عقل آدمی رسول باطنی اوست»^۹ (همان، ۲۷) که به‌وسیله آن به خدا، دین، و

۱. امام صادق(ع): «لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطًا، فَإِنْ فَرَطَ ضَيِّعٌ، وَإِنْ ضَيِّعٌ أَيْمٌ، وَإِنْ أَيْمٌ سَكَنَ النَّارَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ».

۲. امام صادق(ع): «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَ...».

۳. امام کاظم(ع): «دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ».

۴. امام کاظم(ع): «أَنْهُ لَا يَنْتَفِعُ بِعَقْلِهِ إِنْ لَمْ يُصِبْ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ».

۵. امام علی(ع): «الْبَابُ حَازِمَةٌ... وَ عِبْرٌ فَاعْتَبِرُوا».

۶. امام صادق(ع): «و عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ».

۷. امام رضا(ع): «الْعَقْلُ حَيَاءٌ مِنَ اللَّهِ».

۸. امام علی(ع): «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ».

۹. امام علی(ع): «الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ».

حقایق عالم معرفت پیدا کرده و با سامان دادن عواطف و انتخاب عملکردهای مناسب در مسیر کمال خود گام برمی‌دارد.

در متون اسلامی بیش از آنچه تصور شود، به گوهر عقل و خرد بها داده شده است. در روایات، عقل به‌عنوان «اساس دین» (نهج‌الفصاحه: ۶۰۲)، «رهوارترین مرکب»^۲ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۳)، «بهترین دوست»^۳ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴) و در آخر، معیار و «میزان برای تقرب الی‌الله»^۴ (بابویه قمی، ۱۴۰۳، ق ۲) و «کسب پاداش»^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۸۴) یاد شده است.

۲-۴. پرورش فضیلت‌جویی

یکی دیگر از گرایش‌های ویژه آدمی «پرورش حس فضیلت‌جویی» است. مقصود از فضیلت، همان ارزش اخلاقی تثبیت شده در وجود انسان است. پرورش حس فضیلت‌جویی، به معنی هدایت انسان در شناخت مفهوم و مصداق فضیلت‌ها و رذیلت‌ها و تقویت گرایش به فضایل و زدودن موانع فرا روی این گرایش است و به همین دلیل است که یکی از غایات و اهداف بعثت^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳، ق ۱: ۱۶) پیامبر گرامی اسلام (ص) ذکر شده است. امام سجاده (ع) مؤمن را کسی می‌داند که متصف به فضایل و ارزش‌های اخلاقی مانند «کناره‌گیری از گناه، انفاق به اندازه توان، صبر در مصیبت و راستگویی به هنگام ترس باشد»^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۲۹۳). همچنین، خیر و سعادت امت اسلامی را در ارتباط‌های مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی حول محبت به یکدیگر، امانت‌داری، اجتناب از محرّمات و غیبت و تهمت دانسته، و آنچه در قیامت و میزان، پر بهاترین و مفیدترین صفات برای مؤمنان و رفتن به بهشت است؛ توجه به مجموعه فضایل انسانی است که از آن به «حسن خلق»^۸ (طبرسی،

۱. پیامبر اکرم (ص): «قوام‌المرء عقله ولادین لمن لاعقل له».

۲. رسول اکرم (ص): «ما قسم الله للعباد شیئاً افضل من العقل... و ما ادى فرائض الله حتى عقله عنه و لا بلغ...».

۳. امام علی (ع): «لاغنی کالعقل و لا فقر کالجهل».

۴. امام علی (ع): «ان الله تبارک و تعالی یحاسب الناس علی قدر ما آتاهم من العقول فی دار الدنیا».

۵. امام صادق (ع): «ان الثواب علی قدر العقل».

۶. پیامبر اسلام (ص): «انما بعثت لاتمم مکارم الخلاق».

۷. امام سجاده (ع): «علّامات المؤمن خمس: الورع فی الخلوة و الصدقة فی القلة و الصبر عند المصيبة و الحلم عند الغضب و الصدق عند الخوف».

۸. امام رضا (ع): «ما من شیء فی» و «المیزان انقل من حسن الخلق».

۱۴۰۸ق، ۶۴-۶۵) تعبیر شده است.

۲-۵. پرورش گرایش به کمال‌جویی

هر انسانی مایل است به طریقی رشد کند و از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نائل شود. سیر از مرحله پایین به مرحله‌ای بالاتر، ریشه در گرایش درونی آدمی دارد. تکاپوی انسان برای ایجاد تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی پاسخی به تمایل درونی برای ایجاد تحول در زندگی است، زیرا انگیزه رسیدن به وضعیت مطلوب‌تر است که سبب حرکت می‌شود. به عبارت دیگر، سیر تربیتی در دین مبین اسلام بر محور تقوی، عامل‌گرایی و تمایل به کمال و کمال‌جویی قرار گرفته است و انسان در صورتی می‌تواند به قرب الهی نائل شود که در صدد بسط و گسترش کمالات وجودی خویش برآید. امام علی(ع) درباره نیل به کمال واقعی و دوری جستن از سرگرمی‌های دنیوی و کمالات غیرواقعی می‌فرماید: «دنیا برای دنیا آفریده نشده، بلکه برای آخرت آفریده شده است»^۱ (نهج البلاغه: حکمت ۴۶۳).

۳-روابط آدمی با انسان‌های دیگر

دسته دیگری از جنبه‌های فطری آدمی که به صورت گرایش و توانمندی در هر فردی وجود دارد، گرایش و توانمندی ارتباط با دیگران است و از این رو «مدنی بالطبع» نامیده شده است. به فعلیت رساندن این توانمندی و گرایش در همه مراحل زندگی و در چگونگی معاشرت آدمیان با یکدیگر، می‌تواند در ظهور توانمندی‌های بالقوه‌اش به صورت مطلوب و بالنده مؤثر باشد و حتی در درک بهتر خود و کشف ویژگی‌ها، توانمندی‌ها، و ناتوانی‌های خود و دستیابی به تصویری درست و واقع‌بینانه از خود و ساخت شخصیتش به وی، نقش بسیار مهمی ایفا کند (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۰۱). معیار مطلوبیت این نقش تربیتی، هماهنگ بودن این مناسبات با روابط فطری انسان با خداست که در لسان شرع و آموزه‌های تربیتی معصومان(ع) به عنوان رضای پروردگار مطرح است. بدین معنی که هر نوع برقراری ارتباط با هر فردی، نقشی مثبت در تحولات مطلوب انسان ندارد. ارتباط مثبت انسانی مانند رابطه محبتی، برّی، و احسانی با کسانی تأثیر تربیتی دارد که از انسان بودن، بیگانه نشده باشند و حرمت خدا، انسان،

۱. امام علی(ع): «الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا، وَلَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا».

و ارزش‌های فطری را حفظ کرده باشند. اما برقراری چنین رابطه‌ای با آنان که با خدا، افراد بشری، و ارزش‌های انسانی سر کینه و دشمنی دارند و بشریت را از نظر تربیتی به سقوط می-کشانند و مصداق «اولانک کالانعام بل هم اذل» می‌شوند؛ آن هدفی نیست که پروردگار، انسان را برای آن آفریده است. هدف و مرضی خدا این است که انسان‌ها با پاسداری حرمت‌های سه گانه، به سعادت انسانی نائل گردند و به متتها درجه کمال نائل شوند.

دامنه روابط آدمی از نظر کمی و کیفی خیلی وسیع و متنوع است و شامل ارتباط با «پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴: ۲۹۰)، «والدین» (اعراف^۲، ۱۷۳؛ زخرف^۳، ۲۳؛ هود^۴، ۱۰۹؛ انعام^۵، ۱۵۱؛ اسراء^۶، ۲۳)، «همسر» (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۴۵)، «فرزندان» (انفال^۷، ۲۸؛ تغابن^۸، ۱۵؛ اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۱۸۴؛ قطبی، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۶)، «مسلمان» (حجرات^۹، ۱۰؛ اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۳۱۶^{۱۰})، و «غیر مسلمان» (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹۰) می‌شود. اما اینکه چه نوع ارتباطی با دیگران به‌طور کلی در آموزه‌های تربیتی معصومان (ع) مطلوب است؛ در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. الفت و محبت

میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی گرایش فطری آدمی بوده که فرد در هر دوره‌ای از زندگی و تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از آغازین لحظات ورود به این جهان تا

۱. امام صادق (ع): «لَا يُعْرِفُ اللَّهَ وَ دِينَهُ وَ حُدُودَهُ وَ شَرَائِعَهُ بَعِيرٌ ذَلِكَ الْإِمَامُ».
۲. «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ».
۳. «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ».
۴. «فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْذِبُ هَؤُلَاءَ مَا يَعْذِبُونَ إِلَّا كَمَا يَعْذِبُ آبَاؤَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ».
۵. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».
۶. «وَ قَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا يُبَلِّغُنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا».
۷. «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ».
۸. «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ».
۹. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».
۱۰. پیامبر اسلام (ص): «مَنْ أكرمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِكَلِمَةٍ يُطْفِئُ بِهَا وَ مَجْلِسٍ يُكْرِمُهُ بِهِ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَمْدُودًا عَلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ».

آخرین زمان وداع از این دنیا متناسب با دوره رشد خویش این نیاز عالی و اساسی را تأمین کند (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۲). ارتباط الفتی و محبتی با دیگران در مصادیق گسترده آن تبلور و شکوفایی این میل فطری است (فلاح رفیع، ۱۳۹۱: ۴۲). از این روست که باید در کلیه روابط انسان با دیگران محبت اساس رابطه باشد تا اهداف تربیتی تحقق یابند. این نوع رابطه بسیار مهم است و تأثیرات عمیقی بر انسان‌ها دارد و بدین جهت است که «دین جز حب چیز دیگری نیست» (محمدی ری شهری، ترجمه شیخی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۹۵)؛ و مؤمن به هدف غایی و رضوان الهی بدون آن نمی‌رسد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «علاقه و محبت مؤمن به مؤمن از مهم‌ترین شاخه‌های ایمان است» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۱۲۵). البته، باید توجه داشت که میزان ارزشمندی محبت‌های آدمیان به یکدیگر در دامنه وسیع آن، محبت و رضایت خداست. آنچه خدایی است و ارتباط بیشتری با خدا و ارزش‌های الهی و انسانی دارد، با محبت شدیدتر، مستحکم‌تر و با دوام‌تر زمینه رشد تربیتی را فراهم می‌سازد (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۱۹۲). بنابراین، گرچه محبت انسان‌ها انواعی دارد؛ مانند الف) محبت ناشی از اشتراک در فضیلت، ب) محبت ناشی از اشتراک در منفعت، و ج) محبت ناشی از اشتراک در لذت. در آموزه‌های تربیتی معصومان (ع) رابطه محبتی میان افراد و مظاهر محبت مانند «دست دادن، اصرار بر مرتفع ساختن نیازهای یکدیگر، رفع غم و اندوه از همدیگر، و فراهم‌سازی زمینه خوشحالی همدیگر امری لازم دانسته شده و به خوشحال کردن مؤمن، به‌عنوان بالاترین عمل‌ها پیش خدا»^۳ توصیه شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۴۷).

۲-۳. عدالت

از جمله مناسبات آدمی با دیگر انسان‌ها، رابطه عدالتی است. برقراری این رابطه به این است که به حقوق دیگران احترام گذاشته شود و حقشان تضییع نشود. به‌طور مثال، همه انسان‌ها از حق حیات و سلامتی برخوردارند و حق ندارند به یکدیگر آسیب بزنند یا در صدد قتل

۱. امام صادق (ع): «هل الدین الألب».

۲. امام باقر (ع): «ود المؤمن للمؤمن فی الله من اعظم شعب الایمان».

۳. امام رضا (ع): «تراور و تحابوا و تصافحوا... و احرصوا علی قضاء حوائج المومنین و ادخال السرور و دفع المکره عنهم فانه لیس شیء من الاعمال عند الله عزوجل بعد الفرائض افضل من إدخال السرور علی المؤمن».

همدیگر برآیند. انسان‌ها دارای انواعی از حقوق طبیعی، الهی، دینی، و اجتماعی می‌باشند. رعایت حقوق انسان امری ضروری و از نظر تربیتی ارزشمند است و می‌تواند زمینه تکامل انسان را فراهم سازد. در مقابل این امر، تعدی و تجاوز به حقوق دیگران از موانع سیر تکامل آدمی محسوب می‌شود. «عدالت»، فضیلتی فطری، دینی، و اجتماعی است که معصومان (ع) بر آن تأکید دارند. پیامبر (ص) در باب نکوهش تحقیر فقیر و حفظ عدالت، حتی در سلام کردن به فقیر و غنی، می‌فرماید: «کسی که فقیر مسلمان را ملاقات نماید و برخلاف سلام کردنش بر اغنیا، بر او سلام کند، در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات نماید که بر او خشمگین باشد»^۱ (بابویه قمی، ترجمه مستفید و غفاری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۲). پیامبر (ص) نیز فرمود: «هرکس به نیازمند کمک مالی کند و با مردم منصفانه رفتار نماید مؤمن حقیقی است»^۲ (بابویه قمی ۱۳۸۴، ۴۷).

۳-۳. تعاون بری و احسان

میل کمک به دیگری و احسان از جمله امیال فطری و بدیهیات اخلاقی است که آدمی را از حیوانات جدا می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۷۷). اجرایی کردن احسان به دیگران توسط مؤمنان، باعث می‌شود زمینه تحقق عدالت اجتماعی، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین اهداف تربیت اسلامی در جامعه بشری فراهم شود. روابط اجتماعی بر اساس احسان، پیوندی انسانی میان همه افراد مؤمن و حتی دیگر افراد بشر برقرار می‌سازد، زیرا بنا به فرمایش امام علی (ع) «انسان بنده احسان است»^۳ (تمیمی آمدی، شرح خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۷: ۶۹). پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره پیامد مطلوب اقدام به رفع اندوه از نیازمندان می‌فرماید: «با نیکی و کمک به نیازمندان نزد آنان جایگاهی برای خود بیابید، که آنان روز قیامت مقام و منزلتی دارند»^۴ (نهج‌الفصاحه: ۱۶۰). بر این اساس، مؤمنان، در راستای خود تربیتی و دیگر تربیتی، نسبت به یکدیگر قرابت و همدری احساس می‌کنند و به کمک یکدیگر می‌شتابند و برای رفع

۱. امام رضا (ع): «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضِبَانٌ».

۲. پیامبر اکرم (ص): «مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا».

۳. امام علی (ع): «الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ».

۴. پیامبر اسلام (ص): «اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ آيَادِي فَإِنَّ لَهُمْ دَوْلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

نیاز همدیگر اقدام می‌نمایند، با بخشش به هم، مشکلات مالی یکدیگر را حل می‌کنند و همدیگر را از نعمت‌هایی که اعطایی خداوند است، چه نعمت مادی و چه نعمت‌های معنوی مانند علم برخوردار می‌سازند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۴).

۳-۴. رابطه کرامتی و عزتی

آدمی به صورت طبیعی، از کرامت و شرافت ذاتی^۱ (اسراء، ۷۰)، و برتری وجودی نسبت به حیوانات برخوردار است؛ و از این رو، برای ارتقای عزت، ارزشمندی، و شرافت خود کوشش می‌کند و از پستی و فرومایگی بیزار است. کرامت، به معنای بزرگواری و نزهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است (فرمهبینی فراهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۱). بر این اساس، آدمی موجودی شریف است که در نیکوترین شکل آفریده شده است^۲ (تین، ۴). وی باید از جایگاه خود در هستی آگاه شده و بداند که او برترین آفریدگان است و همه هستی برای او و به خاطر او آفریده شده و خداوند او را جانشین خود در روی زمین قرار داده و او را به برترین جایگاه در عالم هستی فراخوانده است. در آموزه‌های تربیتی اسلام، دستورات و برنامه‌های متعددی یافت می‌شود که انسان را به ارزش نهادن به خود و دیگران فرامی‌خواند و احترام به خود و دیگران، و خدمت به ایشان را ارزشی متعالی می‌شمارد. برای نمونه، فرهنگ صالح‌نگری و خیراندیشی یکی از محورهای اساسی در بُعد تکریم بوده و در قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) به طور جدی به آن توجه شده است. قرآن کریم، در بیش از هفتاد مورد، ایمان و عمل صالح را کنار هم قرار داده و بدین‌سان، ارج نهادن به خود و دیگران را در قالب فرهنگ خدمت‌رسانی، صالح‌نگری، و خیراندیشی ترویج کرده است. عمل صالح، که در سطوح مختلفی قابل انجام است، موجب می‌شود انسان‌ها به گونه‌ای محسوس تقرّب، معنویت، و بندگی را در حد خود احساس کنند. حفظ حرمت و اکرام برادر دینی، کمک به او در انجام وظایف، و «رفع مشکلاتش»^۳ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶: ۲۲۲) «ایجاد جو مناسب و

۱. «و لقد کرّمنا بنی آدم. . .».

۲. «لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم.».

۳. امام علی (ع): «قضاء حقوق الإخوان أشرف أعمال المتقين.».

مطلوب»^۱ (حرازی، ۱۴۰۴ق، ۴۲)، ارشاد او^۲، و بسیاری موارد دیگر در حفظ و رشد اخوت و برادری مؤثرند (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰).

امام صادق (ع) درباره برخی افعال مانند عیب‌جویی و سرزنش که به کرامت انسانی آسیب می‌زند، می‌فرماید: «هر کس درصدد عیب‌جویی برادر مؤمنش برآید، تا روزی به وسیله آن او را سرزنش کند، مشمول این آیه است: «کسانی که دوست دارند، زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع پیدا کند، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت خواهد بود و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید»^۳ (نوری طبرسی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۱۱۰).

در نهایت، می‌توان چنین عنوان نمود که کرامت و عزت‌خواهی سبب افزایش توانمندی‌های ارزشی انسان می‌گردد و زمینه برقراری ارتباط مطلوب با دیگران را فراهم می‌سازد (کاوندی، صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱، ۱۶۶-۱۷۱). به عبارت دیگر، عزت اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی مبتنی بر عزت روان‌شناختی و احساس ارزشمندی افراد مؤمن خواهد بود.

۴- ارتباط آدمی با جهان هستی

آدمی، در طول زندگی با دنیای اطراف خود در ارتباط است. زمین و آسمان، کوه و دشت، جنگل و بیابان، دریا و خشکی، حیوانات، و تمام جلوه‌ها و مظاهر ریز و درشت طبیعت نمودی از قدرت و عظمت خالق و آفریننده هستی‌اند و بر دیدگاه انسان نسبت به زندگی اثری ژرف دارند. بنابراین، رابطه انسان با هر موجودی بر اساس درک و آگاهی او نسبت به آن موجود است و اگر نسبت به موجودی درک و فهمی نداشته باشد، هیچ‌گاه مایل به آن نخواهد شد. علامه جعفری (ره) (۱۳۷۶، ۳۵۰-۳۵۴)، رابطه آدمی با جهان هستی را در سه اصل بیان کرده است: شناخت این جهان تا عالی‌ترین حد ممکن، جدی گرفتن قوانین تکوینی جهان، و احساس ملکوتی نسبت به این جهان که یکی از نتایج مهم جدی گرفتن آن است. با این احساس است که احساس تکلیف در درون آدمی می‌جوشد و از بیهوده‌گرایی و بی‌هدفی در

۱. پیامبر اسلام (ص): «أَلْقَ أَخَاكَ بَوَّجَهُ فُنْبِيطٌ».

۲. پیامبر اسلام (ص): «الْمُؤْمِنُ مِرْأَةٌ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَنْصَحُهُ إِذَا غَابَ عَنْهُ وَيَمِيطُ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ إِذَا شَهِدَ وَ يُوسِّعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ».

۳. امام صادق (ع): «مَنْ أَحْصَى عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ غِيْبًا لِيَعْبِيَنَّهُ بِهَيَوْمَا مَا كَانَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

این زندگانی نجات پیدا می‌کند. رابطه انسان با جهان، رابطه‌ای حسّی و تجربی نیست، بلکه رابطه‌ای عقلانی است. کسانی که با تکیه بر حسّ و تجربه می‌خواهند حقیقت انسان و جهان را بفهمند، ثمره‌ای جز انکار و نادیده گرفتن خود و جهان و آفریننده آنها نخواهد داشت. رابطه آدمی با جهان، دربردارنده وابستگی خالص ارادی انسان به خدا و تمام حقایق هستی است. ایجاد چنین رابطه‌ای وابسته به کیفیت ایمان، اعتقاد، و نحوه روابطی است که با مراتب وجودی خود با اجتماع، طبیعت، و از همه مهم‌تر با خداوند دارد. اگر این روابط روی موازین عقل و دین باشد، رابطه صحیح بوده و ثمره خواهد داشت، در غیر این صورت، رابطه خارج از جایگاه مناسب بوده و ثمره و نتیجه منفی و بدبختی را به همراه دارد (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۵۷).

برقراری رابطه انسان با جهان هستی ابعاد گوناگونی دارد، از قبیل شناخت هستی به صورت یکپارچه به گونه‌ای که دنیا و آخرت را در برگیرد، کشف ارتباط خلق و امر هستی با خدا، درک زیبایی‌های هستی، هدفمندی هستی، دستیابی به قوانین جهان، تسخیر جهان، عمران طبیعت، مسئولیت‌پذیری نسبت به هستی‌ها، بهره‌برداری از طبیعت، و عدم وابستگی به دنیا که در ادامه به چند رابطه پرداخته می‌شود.

۴-۱. شناخت طبیعت

با نگاهی به آیات و روایات و سیره معصومان (ع) روشن می‌شود که اسلام به شناخت طبیعت و محیط زیست بسیار اهمیت داده است. قرآن کریم در آیات زیادی، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. همچنین، سوره‌های متعددی (از جمله: سوره بقره، رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، فجر، شمس، حدید، لیل، قمر، و تین) از قرآن کریم به نام یکی از عناصر طبیعت نامیده شده است. خداوند متّان، سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در دامان طبیعت رشد کند و به آن نیازمند باشد. طبیعت به شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف کند. امام رضا (ع) شناخت هرچه بیشتر طبیعت و خلق و امر هستی را عبادت^۱ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۶۶) دانسته، زیرا سبب توانمندی جامعه

۱. امام رضا (ع): «لیست العبادة کثرة الصیام و الصلاة و إنّما العبادة کثرة التّفکر فی أمر الله».

می‌شود.^۱ بدین لحاظ، می‌توان شناخت طبیعت را از دو جهت مورد بررسی قرار داد: (۱) اینکه شناخت عوامل طبیعی و نظم و قانون حاکم بر آن راهی به سوی شناخت پروردگار جهان است، و (۲) شناخت طبیعت به‌طور جزئی و کشف قوانین حاکم بر آن سبب توانمندی انسان و بالطبع باعث گسترش قدرت و حضور او در اجتماع می‌شود (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۷).

۲-۴. هدفمندی هستی

اینکه آفرینش آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنهاست، هدفمند است، در جای جای قرآن به چشم می‌خورد و غایت‌مندی و حکیمانه بودن آفرینش آنها مورد تأکید قرار می‌گیرد. در آیاتی، تذکر داده می‌شود که برخوردار زیستن انسان، جزء اهداف آفرینش هستی می‌باشد، و او ضمن استفاده از برکات کیهانی در جهت بهسازی زندگی این جهانی، از طریق تماشای نشانه‌های نهفته در متن هستی، به شناخت خداوند نایل می‌آید. در این رابطه، مطالعه دو آیه زیر به‌عنوان نمونه کافی می‌نماید که می‌فرماید: «بی‌شک در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است و اوست که زمین را گسترانید و در آن کوهها و رودها نهاد و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد روز را به شب می‌پوشاند قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی وجود دارد»^۲ (آل عمران، ۱۹۰-۱۹۱). امام رضا(ع) در مناظره‌اش با عمران صابی، به هدفمندی جهان آفرینش و مخلوقات و اینکه این هدفمندی در ارتباط با انسان است، می‌پردازد و با اشاره به آیه ۶۰ سوره مبارکه نحل^۳ کسانی را که به آخرت ایمان ندارند متصف به زشتی و حماقت عقلی کرده؛ به این معنی که امکان ندارد خدا این جهان را بدون هدف آفریده باشد و با اشاره به آیه ۲۷

۱. در ارتباط با مفهوم امرالله در بیان امام (ع) چند نکته قابل توجه است: الف) منظور از تفکر در امرالله در کلام امام (ع) اندیشیدن در خلقت و تدبیرهای الهی است که به‌صورت افعال، خلقت طبیعت و موجودات از خدای متعال صادر شده است، نظیر آنچه در آیه «وَإِذَا قُضِيَ الْأَمْرُ فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره، ۱۱۷) آمده است؛ ب) مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف، ۵۴) می‌فرماید: «خلق و امر در اصطلاح قرآن نیز به مفهوم همان افعال الهی است که به صورت آفرینش و تدبیر در ربوبیت انجام می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۱: ۲۸۸)؛ پ) در حدیث، امر به تفکر در آیات الهی که همان طبیعت و هستی است، مفهوم دارد و نمی‌توان امر را به معنی دستور الهی گرفت چون تفکر درباره آن بی معنی است، به‌خصوص که کثرت انجام صیام و صلاه را قبل از کثرت تفکر فی امرالله فرموده‌اند.

۲. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِوَجِينَ أُنْتَبِئْ بِاللَّيْلِ النَّهَارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

۳. «لَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوَاءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

سوره روم^۱، به آغاز و انجام جهان توسط خداوند پرداخته و سپس خداوند را نوری دانسته‌اند که خلقت را از آغاز تا پایان جهان مدیریت و هدایت می‌کند^۲ بدون آنکه نیازمند آن باشد^۳.

۳-۴. بهره‌برداری صحیح از طبیعت

منابع طبیعی، ثروتی است که خداوند در طبیعت برای استفاده انسان‌ها فراهم ساخته است و عامل انسانی، در پدید آمدن آن نقشی ندارد. از بین بردن منابع طبیعی و آلوده ساختن محیط زیست، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات عصر حاضر است که زندگی بشر را به خطر می‌اندازد. به عقیده دانشمندان، بیشتر نابسامانی‌های طبیعی، مانند سیل‌ها، پیشروی آب دریاها، کاهش سفره‌های زیرزمینی، و آسیب‌پذیری لایه اوزن به علت نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست است. از نگاه آموزه‌های دینی، محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست، از مهم‌ترین وظایف انسان‌ها به‌شمار می‌رود (محمدی، فولادی پناه، ۱۳۹۳: ۴۹۳).

با توجه به اینکه طبیعت، امکانات و نعمت‌های فراوانی را در جهت رشد فردی و اجتماعی انسان در اختیار وی قرار داده^۴، و برخورداری از این امکانات، سبب طرح بهره‌برداری صحیح انسان در برابر طبیعت و جهان آفرینش می‌گردد. تصمیم‌های نادرست و اقدام‌های بی‌اندازه بشری می‌تواند اختلال‌ها و لطمه‌های بزرگی را بر تعادل و سلامت محیط طبیعی وارد آورده و موجب اضمحلال طبیعت شود و نسل‌های آینده را از نعمت‌های عظیم الهی محروم می‌سازد. پیامبر گرامی اسلام، در مورد استفاده صحیح از طبیعت می‌فرماید: «نخل را نسوزانید و آن را در آب غرق نکنید، درخت بارور را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید؛ زیرا شما نمی‌دانید، شاید در آینده به آن نیازمند شوید»^۵ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۲۹). تأکید آموزه‌های دینی بر «عمران و آبادانی زمین» (همان، ج ۵: ۲۸۰)؛ «ممنوعیت آلوده ساختن عناصر محیط زیست مانند آب، خاک و هوا، و حتی ممنوعیت آلوده ساختن محیط زندگی طبیعی حیوانات، و جنبندگان» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۲۸-۲۳۱؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۳ق، ج ۱:

۱. «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

۲. «هو نورٌ بمعنى أنه هادٍ لخلقِهِ من اهل السماء و اهل الارض».

۳. «وهو غني عن العالمين».

۴. «هو الذي خلق لكم ما في الارض جميعاً» (بقره، ۲۹).

۵. پیامبر اسلام (ص): «لا تحرقوا نخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا شجرة مثمرة و لا تحرقوا زرعاً لأنكم لا تدرون لعنكم تحتاجون إليه».

(۱۳۳)؛ لزوم نگهداری از حیوانات که بشر می‌تواند از آنها استفاده کند (موسوی خمینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۸۹)؛ و «ممنوع بودن آتش زدن و قطع کردن درختان و تخریب طبیعت حتی در زمان جنگ با دشمن» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ۶۷) دلالت بر اهمیت و جایگاه حفظ منابع طبیعی و محیط زیست در اسلام دارد.

دیدگاه اسلام درباره کیفیت ارتباط انسان با طبیعت، مبین بهره‌مندی از عوامل حیاتی برای نیروگیری در طریق تقوا، توجه به خدا، و طی مدارج الهی و نیل به تکامل و قرب ربوبی است. بنابراین، موضعی که یک فرد مسلمان در برابر جهان و آنچه در آن است اتخاذ می‌کند نشان‌دهنده میزان اهتمام او در دستیابی به هدف غایی از این طریق است (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

۴-۴. مسئولیت‌پذیری نسبت به مخلوقات خدا

یکی از انواع رابطه آدمی با جهان هستی این است که نسبت به آن مسئولیت‌پذیر باشد. از جمله مسئولیت‌های آدمی در این زمینه می‌توان به حفظ محیط زیست، عمران، و آبادانی و بهره‌برداری مطلوب و بهینه از مخلوقات خدا اشاره نمود.

در اسلام، حفظ زمین و پیشگیری از تخریب محیط زیست واجب شمرده شده است. پیامبر اکرم (ص) در اهمیت حفظ زمین می‌فرماید: «از زمین حفاظت کنید، به درستی که آن مادر شماست»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۹۷). امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در حدیثی در باب مسئول بودن انسان نسبت به محیط زیست می‌فرماید: «تقوای الهی را در مورد بندگان و محیط زیست رعایت کنید، زیرا که شما نسبت به مکان‌ها و حیوانات هم مسئول هستید»^۲ (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۶).

آباد کردن زمین و پایداری محیط زیست، از جمله مسئولیت‌های انسان است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره نموده‌اند: «خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت»^۳ (هود/ ۶۱). البته، شایان ذکر است که «عمال حکومت

۱. پیامبر اکرم (ص): «تحفظو من الارض فانها کم».

۲. امام علی (ع): «اتقوا الله فی عباده و بلادہ فإنکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم».

۳. «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ».

اسلامی هم باید بیشترین همت خود را بر این امر اختصاص دهند^۱ (نهج البلاغه: نامه ۵۳). در این عمران و آبادانی، علاوه بر اینکه باید کار از «استحکام و اتقان»^۲ (نهج الفصاحه: ۶۸۳) برخوردار باشد، ضروری است که بیش از نیاز خانواده نیز باشد تا جامعه از آن بهره مند گردد که در این صورت به تعبیر امام رضا(ع) «فرد همچون مجاهدی است که در راه خدا جهاد می‌کند»^۳ (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۸۰۸). این امام همام، عمران و آبادانی طبیعت و ساخت و سازهای محکم و پایدار را برای بهره‌برداری بهینه از آن در زندگی دنیا وظیفه مؤمنان دانسته‌اند؛ ولی توصیه بر این است که «وابسته به آن نشوند، و از آن برای آخرت خویش استفاده نمایند»^۴ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲: ۴۹).

بحث و نتیجه‌گیری

جهت تبیین چارچوب روابط مطلوب آدمی، از احادیث اهل بیت(ع) استفاده شد که پیشوایان جامعه و الگوهایی جامع و کامل در حوزه تربیت دینی محسوب می‌شوند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که روابط مطلوب آدمی، مناسباتی است که انسان به صورت فطری مطلوبیت آنها را درمی‌یابد. بر این اساس، انواع روابط مطلوب چهارگانه اصلی و فرعی انسان که در آموزه‌های تربیتی معصومان(ع) مشهود است به شکل جدول ۱ استخراج شد.

جدول ۱. چارچوب روابط مطلوب آدمی در آموزه‌های تربیتی معصومان(ع)

روابط اصلی	روابط فرعی
روابط انسان با خدا	رابطه معرفتی، رابطه ایمانی و پذیرش، رابطه تقوایی، رابطه توکلی، رابطه رضایی و تسلیمی، و رابطه عبادی
روابط انسان با خویشان	خودشناسی، علم‌جویی، شکوفاسازی عقل، پرورش فضیلت‌جویی، پرورش گرایش به کمال‌جویی
روابط انسان با انسان‌های دیگر	الفت و محبت، عدالت، تعاون بری و احسان، رابطه کرامتی و عزتی
روابط انسان با جهان هستی	شناخت طبیعت، هدفمندی هستی، بهره‌برداری صحیح از طبیعت، مسئولیت‌پذیری نسبت به مخلوقات خدا

۱. امام علی(ع): «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخِرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ».

۲. پیامبر اسلام(ص): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ».

۳. امام رضا(ع): «إِنَّ الْوَالِدَ يُطَلَّبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَكْثَرَ مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

۴. امام رضا(ع): «اعمل لدنياك كانك تعيش أبداً واعمل لآخرتك كانك تموت غداً».

در نهایت، این پژوهش آشکار می‌سازد که اگرچه اسلام به شیوه‌ها و راهکارهای نوین روابط مطلوب توجه دارد، رشد و تعالی معنوی انسان را در جهت قرب الی‌الله و بر محوریت نگرش توحیدی استوار می‌داند. هدف از تأکید معصومان(ع) بر چارچوب روابط چهارگانه فوق، این است که شخصیت آدمی در جنبه‌های مختلف معنوی، عاطفی، اجتماعی، و زیست محیطی ارتقاء یافته و به سعادت جاوید منتهی شود. به عبارت دیگر، انسان‌ها می‌توانند در پرتو این روابط، پیوند خود را با خدای خویش استوار سازند و استعدادهای خود را پرورش دهند تا در برابر حق خضوع و خشوع داشته و به جلب رضای پروردگار همت گمارند و همواره از سبک زندگی مطلوبی با هم‌نوعان خود برخوردار شوند و رابطه خود را با هستی واقع‌بینانه کنند تا در راستای تحقق اهداف خلقت و نیل به قرب الهی از مواهب پروردگار بهره‌مند گردند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۶). مهدی الهی قمشه‌ای. قم: سپهر نوین.
- ابراهیمی فر، علی اصغر (۱۳۸۵). بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۰). نقش صله رحم در بهداشت روانی، ماهنامه معرفت، شماره ۴۸. ۲۹-۳۷.
- اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵). فرهنگ تربیت، قم: مسجد مقدس جمکران.
- اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی و ابوجعفری، مهدی (۱۳۸۶). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: سمت.
- اکبری، مدینه (۱۳۹۱). اخلاق امام رضا (ع) از نگاه روایات، مجموعه مقالات جشنواره بین‌المللی امام رضا (ع) (معارف و اعتقادات در فرهنگ رضوی). ۱۴۹-۱۷۶.
- بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۸۴)، خصال، ترجمه: صادق حسن‌زاده تهران: ارمغان طوبی.
- _____ (۱۳۷۹)، علل الشرایع، قم: شریف الرضا.
- _____ (۱۳۸۰)، عیون اخبار الرضا (ع)، حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: مدرسه.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳). غررالحکم و دررالكلم. شرح: محمدتقی خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرآنی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: کتاب فروشی اسلامیة.
- حرالعالمی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. تهران: مکتب الاسلامیه.

- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۶۳). *المفردات*. تهران: کتاب.
- سجادی، جعفر (۱۳۶۲). *فرهنگ معارف اسلامی*. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- سجادی، ابراهیم (۱۳۸۸). «قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان». *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۵۹ و ۶۰. ۹۰ - ۱۳۹.
- سیدرضی (۱۳۸۷). *نهج البلاغه*. محمددشتی، قم: جمال.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱). *همیشه بهار، اخلاق و سبک زندگی اسلامی*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
- شیروانی، علی (۱۳۸۵). *نهج الفصاحه* (با ترجمه فارسی). قم: دارالفکر.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم: اسلامی.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۱۳ق). *العروه الوثقی*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). *صحیفه الإمام الرضا (ع)*، (منسوبه الی امام الرضا). قم: مدرسه امام مهدی (ع).
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین*. قم: رضی.
- فرمهبینی فراهانی، محسن؛ میرزامحمدی، محمدحسن و سالاری، امیر (۱۳۸۸). «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق (ع) (مبانی، اصول، روش های تربیتی)». *دوماهنامه دانشور رفتار*، شماره ۳۹. ۶۲ - ۷۹.
- فلاح رفیع، علی (۱۳۹۱). *روش شناسی الگو در انتقال ارزش ها، دوفصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی*، شماره ۲، ص ۳۳ - ۵۷.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۲). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قطبی، محمد (۱۳۸۹). «راهبردهای قرآنی تربیت دینی». *دوفصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی*. شماره ۳. ۷۱ - ۹۴.
- کاوندی، زینب؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۱). «عزت نفس، احترامی به ملکوت خویشان با نگاهی از دریچه روان شناسی و دین». *فصلنامه ظهور (مطالعات زنان و خانواده)*، شماره ۱۲. ۱۶۵ - ۱۹۰.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۴۴)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم (۱۳۸۷). *مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه منسوب به امام جعفر*

- صادق(ع). تصحیح: رضا مرندی. تهران: پیام حق.
- متقی هندی، حسام‌الدین(۱۳۹۷ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. تحقیق: حسن رزوق، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی، جاهد؛ فولادی پناه، پریا(۱۳۹۳). *اهمیت و جایگاه محیط زیست در شیوه زندگی اهل بیت(ع) و آموزه های دینی*. چکیده مقالات همایش سبک زندگی اهل بیت(ع). قم: مجمع جهانی اهل بیت(ع).
- محمدی‌اشتهاردی، محمد(۱۳۸۳). *حکایت‌های شنیدنی*. قم: علامه.
- محمدی ری‌شهری، محمد(۱۳۸۱). *میزان‌الحکمه*. حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- مشکینی، علی(۱۳۷۶). *درس‌های اخلاق*. علیرضا فیاض. قم: مترجم.
- موسوی خمینی، روح‌الله(۱۴۰۳ق). *تحریر الوسیله*. تهران: مکتبه الاعتمادی.
- موسوی لاری، مجتبی(۱۳۸۶). *رسالت اخلاق در تکامل انسان*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- میناگر، عبدالرضا(۱۳۹۰). *اخلاق و تربیت اسلامی*. قم: ابتکار دانش.
- نجفی، حسن(۱۳۹۳). *تحلیل محتوای مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در کتاب‌های درسی عمومی دانشگاهی؛ به منظور ارائه پیشنهادها کاربردی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد تهران.
- نجفی، محمدحسن(۱۳۶۷). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- نوری طبرسی، حسین(۱۳۶۶). *مستدرک‌الوسایل و مستنبط‌المسائل*. قم: آل‌البیت‌التراث.